

علیرضا وکیل‌ی در تحلیل‌های راهبردی، دشمن زمانی جرئت طمع به خاک و منافع یک ملت را پیدا می‌کند که در دیواره وحدت آن جامعه، ترک و شکاف مشاهده کند. اتاق‌های فکر استخبارات امروز بیش از آنکه به قدرت سخت خود تکیه کنند، به «دوقطبی سازی» و ایجاد گسست میان آحاد مردم امید بسته‌اند. آن‌ها می‌دانند که ایران متحد، دژی است نفوذناپذیر. لذا تمام توان خود را به کار گرفته‌اند تا با بزرگ‌نمایی تفاوت‌ها و زنده کردن گله‌گذاری‌های جناحی، ریسمان اتصال ملی را سست کنند. عبور از این پیچ تاریخی سرنوشت‌ساز تنها یک فرمول دارد: با گذشت به محور واحد و اولویت دادن به «بقای ایران» بر هرگونه مطالبه فرعی.

قرآن کریم با بیانی صریح و قاطع، راهبرد نجات بخش در برابر تفرقه افکنان را چنین ابلاغ می‌فرماید: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا...» و همگی به ریسمان خدا [قرآن، اسلام و هرگونه وسیله وحدت] چنگ بزنید و بپراکنده نشوید...»

این آیه، ستون خیمه اقتدار ملی ماست. «حبل الله» همان ریسمان محکم ولایت و ایمان است که در طوفان‌های سهمگین، مانع از سقوط و پراکندگی می‌شود. تأکید بر کلمه «جمیعاً» نشان می‌دهد که وحدت، یک امر گزینشی نیست، بلکه تکلیفی جمعی است. در شرایطی که دشمن خواب «تجزیه ایران» را می‌بیند، هرگونه بگومگوی داخلی و دامن زدن به اختلافات، ریختن آب به آسیاب کسانی است که نه با یک جناح، بلکه با اصل وجود این سرزمین، دشمنی دارند. چنگ زدن به ریسمان الهی یعنی در لحظه حساس، منافع بزرگ ملی را قربانی گلابه‌های کوچک شخصی یا سیاسی نکنیم.

شکوه ما در کثرت هم‌سو نهفته است، نه در پراکندگی پیرصدا. دشمن می‌خواهد ما را درگیر خودزنی کند تا از رصد تحرکات او غافل شویم. ما با تکیه بر این فرمان الهی، ثابت می‌کنیم که با وجود تمام سلیقه‌ها، در حفظ کیان اسلام و ایران، یک‌تن و یک‌روح هستیم.

بیاییم با درک موقعیت حساس کنونی، رشته‌های پیوند میان خود را محکم‌تر کنیم. نصرت الهی، نصیب ملتی می‌شود که در برابر وسوسه تفرقه، صبوری به خرج دهد و گرد محور حق جمع شود. اکنون وقت تسویه حساب نیست، وقت ایستادگی در سنگری واحد است. هر دستی که در دست برادرش قرار می‌گیرد، تیری است به قلب نقشه تجزیه ایران. پیروزی از آن کسانی است که ریسمان الهی را رها نکنند و در سایه انسجام، ابهت خیالی جبهه کفر را درهم شکنند.

هدیه را در ظرف آلوده نگذار!



احمد عدالتیان از زیارت ائمه معصوم^(ع) به خصوص زیارت ولی نعمت ما ایرانی‌ها، حضرت امام رضا^(ع)، همیشه باعث روشنی و قوت قلب برای ادامه مسیر بوده است. وقتی مشکلات زندگی روی هم انبار می‌شود و به بن بست می‌رسیم، به زیارت می‌رویم و در مسیر برگشت، احساس می‌کنیم روزنه‌های امید به آینده و خلاصی از بن بست‌ها برای ما باز شده است.

اما نکته مهم این است که زیارت با همه آثاری که دارد، جزو مستحبات دین ماست و قبل از آن اگر واجبات را انجام نداده و حرام‌ها را ترک نکرده باشیم، ممکن است باعث رنجش خاطر خداوند و حضرات معصوم^(ع) شویم. خود انسان نیز وقتی در حرم ولی خدای متعال در مقابل امام معصوم^(ع) قرار می‌گیرد، اگر بار سنگین گناه بر دوشش باشد، خجالت خواهد کشید و ممکن است نتواند خواسته خود را مطرح کند.

ترک گناه پیش از زیارت، نشانه عشق و ارادت واقعی زائر به امام و آمادگی برای تحول درونی است. زائری که پیش از حرکت، از گناهانش توبه کند و دل را از آلودگی‌ها پاک سازد، گویی در مهمانی پروردگار و اولیایش حاضر شده است. چنین سفری، انسان را به قرب الهی نزدیک‌تر می‌کند. روح تازه‌ای به او می‌بخشد و زمینه بازگشت به زندگی پاک و معنوی را فراهم می‌آورد؛ به همین دلیل است که علمای اخلاق همواره بر توبه و ترک معاصی پیش از عزیمت به سفرهای زیارتی تأکید کرده‌اند. آیت الله خوشوقت، از استادان برجسته اخلاق، زمانی در جوار حرم پیامبر گرامی اسلام^(ص) در مدینه منوره گفته بود: «همه توفیقات بعد از انجام واجبات و ترک حرام و اخلاص، نصیب ما می‌شود. گرچه مستحبات در جای خودشان آثار خاصه خودش را دارد، خداوند در قرآن کریم می‌فرماید که عمل انسان گناهکار، پذیرفته نیست و باید بدانیم اگر نظم این دو [انجام واجبات و ترک حرام] به هم بخورد، همه چیز به هم می‌ریزد.»

او تأکید کرده بود: «مستحبات، اضافه‌کار است؛ یعنی اگر مزد بیشتر می‌خواهید، مستحبات را انجام دهید و آن چیزی که اجازه ترک آن را به ما نمی‌دهد، توجه به مسئله واجب و حرام است؛ چراکه ترک واجبات، خطراً فرین است و باطن انسان را ضایع می‌کند. بهترین زیارت این است که رویه‌روی قبر ائمه اطهار^(ع) بایستی و بگوئی دیگر گناه نمی‌کنم و هرچه دعا بخوانی و از طرف دیگر گناه کنی، فایده‌ای ندارد و اگر می‌خواهید حضرات معصومان^(ع) را خوشحال کنید، بروید و بگویید من با امام معصوم حاصل نمی‌کنم. اگر به طور جدی ترک گناه کنید، خدا خوشحال کردید.»

بنابراین ترک گناه پیش از زیارت، همچون پالایش ظرف وجودی انسان است تا شایستگی دریافت فیوض معنوی را پیدا کند. گناه، حجاب میان بنده و معبود است و تا این حجاب کنار نرود، نور معنویت و ارتباط حقیقی با امام معصوم حاصل نمی‌شود. قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ النَّوَافِلَ وَيُحِبُّ الْمُتَّقِينَ» یعنی خداوند توبه‌کنندگان و پاکیزگان را دوست دارد.»

زیارت بدون توبه و ترک گناه، همچون هدیه‌ای است در ظرفی آلوده که نه تنها ممکن است قبول نشود، بلکه نشانه بی‌احترامی به مقام والای امام به شمار می‌رود. از سوی دیگر، انعام معصوم^(ع) واسطه فیض الهی و شفیعان روز جزا هستند. اما شفاعت آنان شامل کسانی می‌شود که زمینه بهره‌گیری از این لطف را فراهم کرده باشند.

متحد باشیم

چهارشنبه‌های امام رضایی

آمنه مستقیمین! اینکه می‌گویم سیره امام رضا^(ع) در زمان، محصور و محدود نشده بلکه چه کلام و چه عمل و رفتار حضرت در تاریخ، حیات داشته است و همیشه حرف برای گفتن دارد. ادعا نیست؛ مثل نامه‌ای که امام رئوف^(ع) به ظاهر برای حضرت عبدالعظیم^(ع) اما در باطن برای پیروان و محبان خود در همه دوران‌ها به یادگار گذاشته‌اند و این روزها که درگیر جنگ و بحران هستیم، گره‌های فراوان از ما باز می‌کند. در این باره با حجت الاسلام والمسلمین علی نظری منفرد، استاد سطوح عالی حوزه علمیه و کارشناس برنامه سمت خدا، گفت‌وگو کرده‌ایم.

گفت‌وگو

نامه‌ای از امام رضا^(ع) به امروز ما

یکی از متونی که کارآمدی خود را در طول تاریخ حفظ کرده است و به‌ویژه امروز به ما کمک می‌کند تا از شرایط بحران عبور کنیم، نامه آقا علی بن موسی الرضا^(ع) به عبدالعظیم حسنی^(ع) است. نامه‌ای که مرحوم شیخ مفید در «اختصاص»، آن را از عبدالعظیم حسنی^(ع) نقل کرده و در قسمت رجال «وسائل» هم آمده و در جلد ۷۱ بحارالانوار نیز به نقل از «اختصاص»، آن را آورده و حاوی مضامین عمیق و نیز به نوعی انتظارات امام هشتم^(ع) است. این پیام حضرت برای ما هم هست نه فقط برای کسانی که زمان حیات ایشان را درک کردند.

برای شیطان، فرش قرمز پهن نکنیم

امام رضا^(ع) با تبیین این انتظارات، راه را به ما نشان داده‌اند تا هرکه می‌خواهد به ایشان نزدیک شود، این مسیر را طی کند. ما نیز اگر می‌خواهیم به ایشان نزدیک و با حضرت صمیمی شویم، باید این انتظارات امام^(ع) را عملی کنیم. مخاطب حضرت ثامن الحجج^(ع) در این نامه، پیروان و موالیان هستند و ایشان به آن‌ها تأکید می‌کنند که برای شیطان راه باز نکنند. باید توجه داشت انسان در زندگی دوروش دارد، یکی عقلانی و دینی تا براساس حکمت و مصلحت، امور را انجام دهد نه برپایه مصلحت شخصی و دیگری، راهی که هوا و هوس پیش پای ما می‌گذارد که هم عقل و هم عرف، آن را نپهی می‌کند.

خیرخواهی امام^(ع) برای تاریخ

قرآن مجید تصریح می‌کند که شیطان دشمن شماست، «لَا تَجِدُوا عَدُوِّي وَعَدُوِّيكُمْ أَوْلِيَاءَ» (ممتحنه ۱/۷)، «لَا تَجِدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ» (یس/۶۰) یعنی انسان با دشمن نباید طرح دوستی بریزد و نگذارد شیطان وارد محیط زندگی اش شده، بر او مسلط شود. قطعاً او خیرخواه انسان نیست و می‌خواهد انسان را ساقط کند، خودش گفته و خداوند متعال در قرآن، از قول او بیان کرده است که «من سر راه بندگان تو می‌نشینم و آن‌ها را گمراه و از راه خارج می‌کنم». باید حواسمان جمع باشد و دشمن شناس باشیم که مبادا دشمن به ما نزدیک شود که قطعاً درصد آسیب رساندن به ماست. این توصیه امام^(ع) به عنوان پدر خیرخواه امت، به دوستداران خود در همه تاریخ است و آن‌ها را از مصائب و سقوط نجات می‌دهد.



راه نزدیک شدن به امام هشتم^(ع)

امام رضا^(ع) در این نامه همچنین بر دیدار برادران دینی با یکدیگر و صلح‌رحم تأکید می‌کند و آن را عامل تقرب به خود می‌داند. این همه تأکید بر ارتباط با یکدیگر، سرکشی از هم و مشغول نشدن به دشمنی باهم و تخریب دیگران، برای وحدت و یگانه‌بودن به‌ویژه در مقابل دشمن است. این نامه به ما یادآوری می‌کند که مشترکات ملی و دینی‌ای داریم که باید محور وحدت ما باشند تا راه نفوذ شیطان و نیز دشمن بر ما بسته شود. تفرقه نه مورد رضای خداست نه مطلوب امام معصوم^(ع).

نفرین شدگان توسط امام رضا^(ع)

یکی از مهم‌ترین فرازهای نامه امام رضا^(ع) به عبدالعظیم حسنی^(ع)، آنجاست که می‌فرماید: «دوستان ما نباید فرصت‌های گران‌بهای زندگی و وقت ارزشمند خود را به دشمنی با یکدیگر تلف کنند. من با خود عهد کرده‌ام هرکه مرتکب این‌گونه امور شود یا به یکی از دوستان و رهروانم خشم کند و به او آسیب رساند، از خدا بخواهم که او را به سخت‌ترین کیفر دنیوی مجازات کند و در آخرت نیز این‌گونه افراد از زبان کاران خواهند بود.» این تأکید حضرت، اهمیت وحدت و پرهیز از تفرقه و انشقاق را نشان می‌دهد.

به اسم نقد همدیگر را تخریب نکنیم

عمده نگاه حضرت علی بن موسی الرضا^(ع) در این نامه، بر اتحاد و وحدت و رعایت حقوق دیگران است. تعبیر «تمزیق» که ایشان در این نامه به کار برده‌اند یعنی پاره‌پاره کردن و حضرت، مارا به شدت از آن نپهی می‌کنند. یعنی این‌طور نباشد که به اسم نقد، همدیگر را تخریب کنیم یا چون در برخی زمینه‌ها اختلاف نظر داریم، به دشمنی علیه هم بپردازیم. اگرچه نقد عقلایی، مطلوب آموزه‌های دینی است، اگر به اسم نقد در پی توهین و تخریب افراد باشیم، نه تنها مطلوب نیست، بلکه به تعبیر حضرت، راه برای شیطان باز می‌کنیم.

حجت الاسلام والمسلمین نظری منفرد:

این همه تأکید بر ارتباط با یکدیگر، سرکشی از هم و مشغول نشدن به دشمنی باهم و تخریب دیگران، برای وحدت و یگانه‌بودن به‌ویژه در مقابل دشمن است

از باور قلبی تا مسئولیت اجتماعی در منطق قرآن



علی نظری منفرد، کارشناس تبلیغ و ارتباطات دینی

که دین را محدود به حوزه خصوصی و اعتقادات فردی می‌سازند. مؤمنان را به عنوان عناصری فعال و مسئول در رقم زدن سرنوشت جامعه خود تعریف می‌کند. در این نگاه، میان شاعر فردی و عمل صالح جمعی، هیچ جدایی‌ای نیست. نماز، روزه و دعا آن‌گاه کامل می‌شوند که در میدان مبارزه با ستم و اقامه قسط، ثمره خود را نشان دهند. برای درک عمیق‌تر این حقیقت، کافی است بار دیگر در آیه ۲۵ سوره مبارک

حدید تأملی داشته باشیم؛ آیه‌ای که هم فلسفه نزل کتب آسمانی را به روشنی تبیین می‌کند و هم رسالت انسان مؤمن را فراتر از حوزه فردی، تعریف می‌نماید. خداوند در این آیه می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا بِالنَّبِيِّاتِ وَأَنْزَلْنَا الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِقَوْمِ النَّاسِ لِيَقْسِطُوا...» هرآینه‌ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و همراه ایشان، کتاب و میزان فرورستادیم تا مردم به عدالت برخیزند. «غایت ارسال پیامبران و فرورستاندن کتاب و سنجه عدالت چیست؟ نه اینکه صرفاً مردم، عدالت را بشناسند یا در قلب خود به آن باور داشته باشند، بلکه هدف آن است که مردم خود به پا خیزند و قسط را در جامعه برآوردند.» این «قیام» یک فعل جمعی،

در منطق قرآن کریم، ایمان اگر در حد اعتقاد قلبی و احساس درونی بماند، هنوز به مرحله بلوغ خود نرسیده است. کمال ایمان، زمانی حاصل می‌شود که این ایمان درونی، خود را به منصف ظهور برساند و در رفتار اجتماعی، دفاع از حق، حمایت از مظلوم و ایستادگی مقابل ظالم، خود را نشان دهد. آیه ۲۵ سوره مبارک حدید، دقیقاً به همین احساس مسئولیت بندگان برای یاری رساندن به خدا و ولی اش اشاره می‌کند: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِقَوْمِ النَّاسِ لِيَقْسِطُوا...» از این منظر، احساس مسئولیت اجتماعی، نه امری صرفاً اخلاقی و انسانی، بلکه عمیقاً دینی و ریشه دار در متن وحی است، لذا برای یک مؤمن واقعی، احساس مسئولیت در برابر دین و جامعه ایمانی، تازه نقطه آغاز تلقی می‌شود.

چیزی که این شب‌ها از حضور مردم در خیابان‌ها نظاره‌گر آن هستیم، در واقع همین معرفت الهی و دینی است. این صحنه‌های هیجانی به تهدیدهای بیرونی تفسیر کرد، بلکه این حضور معنادار در ریشه در همان منطق قرآنی دارد که ایمان را از یک تجربه درونی صرف، به یک نیروی عظیم اجتماعی و تاریخی تبدیل می‌کند. قرآن کریم، برخلاف نگاه‌های سکولار

دیگر صرفاً رفتاری اخلاقی یا انسانی نیست، بلکه به عالی‌ترین شکل خود به عبادتی آگاهانه و جهادی فی سبیل الله تبدیل می‌شود. شاید تصور شود که این بعد اجتماعی ایمان، صرفاً به امر سیاسی یا نظامی محدود می‌شود، اما حقیقت آن است که قرآن با طرح «قیام به قسط»، تمامی عرصه‌های حیات جمعی را مورد توجه قرار داده است؛ از عدالت اقتصادی و مبارزه با فقر و تبعیض گرفته تا مسئولیت پذیری در برابر محیط زیست، از ادای امانت و رعایت حقوق متقابل در خانواده تا حضور فعال در صحنه‌های فرهنگی و رسانه‌ای.

همه این‌ها، شاخه‌هایی از آن درخت تنومند «مسئولیت اجتماعی برآمده از ایمان» هستند. قرآن نه تنها به وظایف فردی اشاره می‌کند، بلکه جامعه را یک پیکره واحد می‌داند که هر فرد در قبایل آن مسئولیتی جدی دارد؛ دقیقاً مانند همان روح جمعی‌ای که این شب‌ها در خیابان‌ها متجلی شده است. هنگامی که احساس شود دین و وطن در معرض خطر هستند، مؤمنان واقعی نمی‌توانند بی‌تفاوت بمانند و آسوده در خانه‌های خود استراحت کنند، بلکه چونان اعضای یک پیکره، خود را موظف به دفاع و پشتیبانی می‌دانند.